

ابعاد فراملی فعالیت شرکت‌های کارگزاری در نظام حقوقی ایران

بهرام تقی پور^۱

غفور خوئینی^۲

لیلا سهرابی^۳

چکیده

بعد از شکل‌گیری بازار سرمایه ایران براساس قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، نهادهای مالی این بازار به عنوان واسطه‌های مالی نوینی به بازار مالی معرفی شدند. یکی از این نهادهای مالی، شرکت‌های کارگزاری هستند که جهت انجام اقدامات واسطه‌ای معاملات اوراق بهادار و کالا پیش‌بینی گردیدند. با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در آذرماه ۱۳۸۴، بازار سرمایه، فعالان آن و از جمله نهادهای مالی پذیرای تغییرات گسترده‌ای شده و نظام حقوقی جدیدی بر روابط آنان حاکم گردید. تبیین حقوقی فعالیت کارگزاری به عنوان درگاه ورودی بازار سرمایه و الزامات حقوقی حاکم بر آن در بازار سرمایه ایران در دو بعد داخلی و بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد که در این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی آن می‌پردازیم.

آنچه تا کنون در مطالعات و پژوهش‌های حقوقی بازار سرمایه اغلب مدنظر پژوهشگران قرار گرفته است بررسی بعد داخلی فعالیت‌های شرکت‌های کارگزاری بوده و بعد خارجی این فعالیت‌ها به نحو مکفی مورد مذاقه قرار نگرفته است. باید توجه نمود که هرچند وجه فعالیت‌های داخلی کارگزاران از گستردگی بیشتری برخوردار است اما این امر به معنای عدم امکان فعالیت‌های خارجی کارگزاران ایرانی و یا حتی عدم امکان فعالیت شرکت‌های کارگزاری خارجی در بازار سرمایه ایران نیست. همچنین بررسی فروع مختلف ابعاد فعالیت‌های فراملی و روابط قراردادی کارگزاران که دارای عنصر خارجی (طرفین، محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد) می‌باشد و همچنین نقش اراده طرفین در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای شرکت‌های کارگزاری ضروری است.

واژگان کلیدی: بازار سرمایه، شرکت کارگزاری، بورس اوراق بهادار، معاملات، قانون حاکم

طبقه‌بندی موضوعی: G19, K20, K22, K29

۱. استادیار حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) taghipour.bahram@yahoo.fr

۲. دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

۳. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی sohrabi.leila900@gmail.com

مقدمه

جوامع بشری در هر برهه از زمان دارای نیامندی های اقتصادی متعدد و متنوعی می باشند. از گذشته های دور با توجه به آنکه بیشتر مبادلات تجاری از طریق وجوه صورت می گرفت؛ اعتماد و اتکای فعالان اقتصادی به گردش وجوه از طریق نهادهای پولی و فعالان نظام بانکی در نظام اقتصادی کشور نهادینه شده است لکن در دهه های اخیر و با شکل گیری و انسجام بیشتر بازار سرمایه در کشورهای مختلف، نهادهای مالی این بازار نیز تدریجاً اهمیت و نقش بارز خود را به عنوان بازیگران اصلی بازار سرمایه یافتند. در این میان، شرکتهای کارگزاری از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشند و به جرأت می توان شرکتهای کارگزاری را با سابقه ترین و گسترده ترین نهاد مالی در بازار سرمایه دانست که به عنوان درگاه های ورودی این بازار، نقش واسطه گران مالی را بین سرمایه گذاران و معاملاتی بورس ایفا می نمایند. واسطه گیری شرکتهای کارگزاری می تواند به صورت فعالیت داخلی و خارجی صورت پذیرد بدین معنا که شرکت کارگزاری می تواند در راستای انجام وظایف و تحقق عملکرد مطلوب خود مبادرت به انعقاد قرارداد با سرمایه گذاران نماید. این اشخاص می توانند ایرانی بوده و یا آنکه دارای تابعیت بیگانه باشند. به عبارت دیگر همانگونه که سرمایه گذاران داخلی می توانند در بازار سرمایه فعالیت نمایند، اشخاص خارجی نیز می توانند از مزایای سرمایه گذاری در بازار سرمایه ایران بهره مند گردند. برخی از این مزایای سرمایه گذاری در بازار سرمایه؛ سهل الوصول بودن انجام معاملات بازار اوراق بهادار، قابلیت نقدشوندگی، فضای رقابتی، وجود سود مطمئن، پذیرش سرمایه گذاران با هر میزان سرمایه، شفافیت اطلاعاتی و ... است (ژیان، ۱۳۹۲: ۴۶). شرکت کارگزاری جهت ارائه خدمات مرتبط با موضوع فعالیت خود (ماده ۳ نمونه اساسنامه شرکتهای کارگزاری)، مبادرت به انعقاد قرارداد با اشخاص متقاضی می نمایند. واضح مقررات با لحاظ ماهیت خاص هر طیف از خدماتی که شرکت کارگزاری ارائه می نماید، ضوابط، الزامات و فرایندهای جداگانه ای جهت انعقاد این قراردادها مقرر نموده است که بررسی اثرات حقوقی آنها ضروری می باشد^۴.

همانگونه که گفتیم گستردگی و اهمیت این نهاد مالی به نحوی است که بررسی ابعاد حقوقی فعالیت های آن جهت تبیین نظام حقوقی حاکم، بسیار راهگشاست. یکی از این ابعاد که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است؛ جنبه های فراملی فعالیت شرکتهای کارگزاری است. در این خصوص قوانین و مقررات متعدد حاکم بر فعالیت کارگزاران از قبیل قانون بازار اوراق بهادار، ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه

^۴ برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Baxter, Ian. F 1987 International Business and Choice of law , 36 International and Comparative Law Quarter

یا نمایندگی شرکت های خارجی، قانون ثبت شرکتها، مصوبات مورخ ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴ شورای عالی بورس و اوراق بهادار، اساسنامه نمونه شرکت های کارگزاری و .. ترتیباتی را مقرر نموده اند که تبیین و بررسی ارتباط میان این مقررات جهت بررسی حقوقی ضروری می باشد.

لذا در این نوشتار برآنیم جهت تبیین ابعاد فراملی فعالیت شرکت های کارگزاری، در دو بخش به بررسی در خصوص حوزه های فعالیت خارجیان در تأسیس شرکت کارگزاری ایرانی و یا مشارکت در آن و همچنین فعالیت شرکت کارگزاری خارجی در ایران و نیز فعالیت شرکت های کارگزاری ایرانی در خارج از کشور پرداخته و مسائل حقوقی مرتبط با آن مباحث را مورد توجه قرار دهیم.

بند اول: فعالیت خارجیان در تأسیس شرکت کارگزاری ایرانی و یا مشارکت در آن و فعالیت شرکت کارگزاری خارجی در ایران

ایده فعالیت خارجیان در نهادهای مالی ایرانی همواره به عنوان یکی از مقتضیات نوین بازار سرمایه مطرح بوده است. شورای عالی بورس به عنوان بالاترین نهاد سیاستگذاری این بازار در این خصوص دو مصوبه را مقرر نموده است. این شورا طی ماده واحده مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ با عنوان "مصوبه در خصوص فعالیت های بین المللی بازار سرمایه"، کلیات چگونگی تحقق فعالیت های فراملی بازار سرمایه را در سه محور اصلی یعنی فعالیت نهادهای مالی خارجی در ایران، فعالیت کارگزاران ایرانی در بازار سرمایه کشورهای خارجی و اخذ پذیرش ناشران ایرانی در بورس های خارجی تصویب نمود. در بند (الف) این مصوبه، امکان تأسیس نهاد مالی خارجی از طریق افتتاح شعبه یا نمایندگی، خرید درصدی از سهام نهادهای مالی ایرانی و تأسیس نهاد مالی جدید توسط سهامدار خارجی پیش بینی شده است اما در مصوبات بعدی شورای عالی بورس؛ تأسیس شعبه و یا نهاد مالی خارجی در ایران همچنان مسکوت مانده است. بند (ب) مصوبه فوق، فعالیت کارگزاران ایرانی در خارج از ایران از طریق ایجاد شعبه یا نمایندگی در کشور خارجی را، مجاز دانست که این موضوع یعنی اتخاذ تصمیم در خصوص تأسیس و انحلال نمایندگی ها یا شعب در خارج از ایران؛ در بند ۵ ماده ۴۰ اساسنامه نمونه شرکت های کارگزاری مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ به عنوان یکی از اختیارات تصمیم گیری هیأت مدیره شرکت کارگزاری پیش بینی شده است. با جمع این الزامات، جواز قانونی امکان تأسیس شعبه و یا نمایندگی شرکت های کارگزاری ایرانی در بازار سرمایه سایر کشورها، مهیا گردیده است.

۵ جهت رعایت اختصار از این به بعد از عبارت "شورای عالی بورس" استفاده می گردد.

در مصوبه مورخ ۱۳۸۶ شورای عالی بورس، امکان تأسیس شعبه و یا نمایندگی شرکت کارگزاری خارجی پیش بینی شده بود اما ترتیبات تأسیس نمایندگی و یا شعب کارگزاری خارجی مسکوت بود لکن در مصوبه دوم شورا در سال ۱۳۹۴، فعالیت خارجیان در نهادهای مالی و از جمله شرکتهای کارگزاری، به نحو دیگری مقرر شد.

وفق این مصوبه^۶ شورای عالی بورس در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۵، متقاضیان خارجی می توانند براساس دستورالعملی که تصویب آن به هیئت مدیره سازمان بورس واگذار گردیده است، از طریق خرید سهام نهادهای مالی موضوع بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار و یا اخذ مجوز فعالیت مربوطه و همچنین مجوز تأسیس، اقدام به فعالیت نمایند. شایان ذکر آنکه در مصوبه مورخ ۱۳۹۴ شورای عالی بورس، به فعالیت خارجیان در نهادهای مالی موجود ایرانی و یا نهادهایی که در ایران توسط خارجیان تأسیس می شوند توجه شده است. از آنجا که براساس ماده ۱ قانون راجع به ثبت شرکت ها، هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است؛ نهادهای مالی هم که توسط خارجیان در ایران و طبق شرایط این ماده تأسیس می گردند نیز واجد شخصیت حقوقی ایرانی محسوب می شوند.

نکته مهم مصوبه آن است که تمامی مقررات حاکم بر شرکای ایرانی یک شرکت کارگزاری نسبت به شرکای خارجی نیز لازمالاتباع بوده و سیاست های کلی بازار سرمایه نیز برای هر دو گروه، به نحو یکسان اعمال می شود. بنابراین تمامی ترتیباتی که اشخاص متقاضی ایرانی برای تأسیس و یا مشارکت در نهاد مالی ملزم به رعایت هستند توسط متقاضیان خارجی نیز باید رعایت گردد. برای مثال الزامات مربوط به رعایت حدنصابهای تشکیل نهاد مالی، تأیید صلاحیت حرفه ای مدیران نهادهای مالی و ... وفق ماده ۲۹ قانون بازار اوراق بهادار، بندهای (ث) و (ج) ماده ۳۶ قانون احکام دائمی برنامه های

۶ "ماده واحده: با عنایت به بند یک چهلین جلسه شورای عالی بورس مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۶ که سازمان بورس را ملزم به تنظیم بسترهای مقرراتی مربوط به شرکای خارجی در نهادهای مالی می نماید و با توجه به مصوبه کمیسیون تخصصی شورا در جلسه دویست و شصت و هفتم مورخ ۲۱/۰۲/۱۳۹۴ شورای عالی بورس ضمن موافقت با فعالیت شرکای خارجی در نهادهای مالی کشور مصوب کرد: الف) متقاضیان خارجی می توانند، براساس دستورالعمل مصوب هیئت مدیره سازمان بورس، از طریق خرید سهام نهادهای مالی موضوع بند ۲۱ ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار و یا اخذ مجوز فعالیت مربوطه و همچنین مجوز تأسیس، اقدام به فعالیت نمایند؛ ب) تمامی مقررات حاکم بر شرکای ایرانی، برای شرکای خارجی نیز الزام آور می باشد. سیاست های کلی بازار سرمایه نیز برای هر دو گروه، یکسان اعمال می شود.

ج) سازمان بورس موظف است دستورالعمل اجرایی این مصوبه را تنظیم نماید."

توسعه کشور، ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید نسبت به ایرانیان و همچنین اتباع بیگانه یکسان است.

نکته حائز اهمیت آن است که اگر نهادهای مالی (در فرض این نوشتار، شرکت کارگزاری) که شریک خارجی قصد مشارکت در آن را دارد، در قالب شرکت سهامی عام باشد میزان خرید سهام نهاد مالی توسط شریک خارجی بسته به آنکه وی سرمایه گذار راهبردی^۷ و یا غیر راهبردی تلقی گردد تابع میزان سقف های تملک در مواد ۳، ۷ و ۸ آیین نامه سرمایه گذاری خارجی در بورسها و بازارهای خارج از بورس می باشد.

لذا در حال حاضر فعالیت خارجیان در صنعت کارگزاری به دو روش امکانپذیر می باشد:

۱. شخص خارجی در نهادهای مالی ایرانی، به عنوان شریک جدید وارد گردد.
 ۲. شخص خارجی به همراه سایر شرکا نسبت به تأسیس نهاد مالی جدید اقدام نماید.
- سؤال دیگر آن که در صورت صدور مجوز تأسیس شعبه یا نمایندگی شرکت کارگزاری خارجی، از سوی سازمان بورس به عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه، رعایت چه ترتیباتی توسط متقاضی ضروری است؟ در این فرض، شرکت کارگزاری خارجی با حفظ ماهیت خود وارد بازار سرمایه ایران می گردد. براساس ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای، هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود، شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. براین اساس شرکت کارگزاری خارجی در وهله اول برای اینکه بتواند در داخل ایران مبادرت به تأسیس شعبه و یا نمایندگی نماید باید در کشور متبوع خود دارای وجاهت قانونی باشد و تشریفات ثبت آن در ایران نیز رعایت شود. لکن ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی، شرط دیگری را جهت فعالیت شعب و یا نمایندگی شرکتهای خارجی نیز اضافه نموده است. بدین توضیح که در صورتی اجازه تأسیس شعبه یا نمایندگی به شرکت خارجی اعطا می شود که کشور متبوع آن شرکت نیز به شرکتهای ایرانی، اجازه تأسیس شعبه و یا نمایندگی دهد. قالب فعالیت شرکت اصلی در مناطق دیگر در دو شکل تأسیس شعبه و یا نمایندگی صورت می پذیرد. جهت تمایز میان مفاهیم "شعبه" و "نمایندگی"، توجه

۷ وفق ماده ۱ آیین نامه سرمایه گذاری خارجی در بورسها و بازارهای خارج از بورس مصوب ۱۳۸۹؛ سرمایه گذار خارجی راهبردی، سرمایه گذاری است که قصد تملک بیش از ده درصد (۱۰٪) سهام یک شرکت پذیرفته شده در بورس یا بازار خارج از بورس را دارد، یا پس از تملک سهام یک شرکت پذیرفته شده در بورس یا بازار خارج از بورس یک کرسی هیأت مدیره آن شرکت را در اختیار بگیرد و در غیر این صورت سرمایه گذار غیر راهبردی می باشد.

به مواد ۲ و ۴ آیین نامه ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی ضروری است. براساس ماده ۲ آیین نامه قانون مزبور؛ شعبه، واحد محلی تابع شرکت اصلی است و کلیه اقدامات آن نیز تحت نام و مسئولیت شرکت اصلی انجام می پذیرد برخلاف نمایندگی که ماده ۴ آیین نامه، آن را شخص حقیقی یا حقوقی می داند که فعالیت آن منوط به انعقاد قرارداد نمایندگی با شرکت اصلی بوده و در قبال اعمال خود دارای مسئولیت است. با جمع این نکات، هرگونه فعالیت شرکت کارگزاری خارجی از طریق تأسیس شعبه و یا نمایندگی در بازار سرمایه ایران باید با رعایت ترتیبات مذکور باشد.

بند دوم: فعالیت شرکتهای کارگزاری ایرانی در خارج از کشور

فعالیتهای کارگزاری و ارائه خدمات آن غالباً در قبال اشخاص و سرمایه گذاران داخلی انجام می گردد اما این امر نافی امکان ورود این فعالیتها به عرصه خارجی و بین المللی نمی باشد. برای تبیین این مسأله تفصیل ذیل بیان می گردد:

- اشخاص خارجی متقاضی دریافت خدمات شرکت کارگزاری ایرانی و انعقاد قرارداد با شرکت کارگزاری باشند.
- شرکت کارگزاری ایرانی خواستار فعالیت در خارج از ایران (در قالب تأسیس نمایندگی و یا ثبت شعبه) باشد.

مقنن در بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ماده ۴ و همچنین بند ۱۴ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار به بحث ابعاد فراملی بازار سرمایه پرداخته است. از سوی دیگر، ماده ۹ آیین نامه سرمایه گذاری خارجی در بورسها و بازارهای خارج از بورس^۸ نیز به امکان فعالیت نهادهای مالی خارجی از قبیل شرکتهای کارگزاری در ایران نیز اشاره نموده است. با نگاهی به مستندات قانونی مذکور می توان به دیدگاه مثبت مقنن نسبت به فعالیت شرکتهای کارگزاری ایرانی در خارج از کشور و همچنین فعالیت نهادهای متناظر خارجی در بازار سرمایه ایران پی برد.

سرمایه گذار خارجی می تواند جهت انعقاد و دریافت خدمات قراردادهای موضوع شرکت کارگزاری^۹ در ایران به کارگزار ایرانی مراجعه نماید و یا آنکه قرارداد در خارج از کشور منعقد شود یا کارگزار ایرانی در کشور خارجی، اقدام به تأسیس شعبه یا نمایندگی نموده و در آنجا اموال سرمایه گذاران

^۸ مصوب ۱۳۸۹/۰۱/۲۹ هیأت وزیران

^۹ برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به :

T Gallagher and Andrew, Financial Management and Mastering Finance, 3rd edition, New Jersey Prentice Hall 2002

خارجی را مدیریت کند. در هر کدام از فروض فوق، دخالت عنصر خارجی را که در روابط حقوقی کارگزار تعریف می گردد بایستی به تفکیک لحاظ نمود و قانون حاکم بر قراردادهای بازار سرمایه را که دارای عنصر خارجی می باشد، تعیین نمود. با توجه به آنکه ارائه خدمت شرکت کارگزاری به فعالان بازار سرمایه در فعالیتهای فوق الذکر براساس قراردادهای خاصی صورت می پذیرد؛ در صورت وجود عناصر خارجی در این فرایندها، بایستی به "قواعد حل تعارض" در این زمینه رجوع نمود.^{۱۰} براساس ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران که مقرر می دارد: "تعهدات ناشی از عقود، تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند"، نظرات مختلفی در خصوص نقش حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر قرارداد ابراز گردیده است. گاه برای اراده طرفین بالاترین درجه آزادی عمل و گاه از سوی مقابل، تقید به نص قانون و عدم امکان اجرای اصل آزادی اراده تجویز گشته است. در بررسی سابقه تاریخی تصویب این ماده در سال ۱۳۱۳ چنین نظر می رسد که با توجه به سوابق است شمارگری خارجی ها در ایران در آن برهه زمانی، اتباع بیگانه با ورود به ایران و انعقاد قراردادهای تجاری و به خصوص قراردادهای اکتشاف و بهره برداری نفت و معادن، قصد سواستفاده از جهل ایرانیان نسبت به قانون کشور خارجی داشتند لذا قانونگذار وقت سعی بر آن داشت با وضع ماده ۹۶۸ قانون مدنی، قراردادهای منعقد شده در ایران را تابع قانون ایران دانسته و تنها در صورتی که هر دو طرف خارجی باشند حاکمیت قانون بیگانه را به رسمیت بشناسد (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

در راستای تفسیر ماده مزبور، حقوقدانان سعی دارند با ارائه تفاسیر متعدد و گاه بسیار متفاوت مفاد ماده مزبور را هم جهت با اقبال به سوی اصل آزادی اراده و یا اصل حاکمیت مطلق قانون هم داستان سازند. طرفداران اصل آزادی اراده (نصیری، ۱۳۷۰: ۶۴) معتقدند قرارداد مخلوق قصد آزاد طرفین است لذا متعاقدين دارای این حق می باشند هر قانونی را که خود مناسب می دانند بر قرارداد خویش حاکم سازند. در رویه قضایی نیز می توان مواردی در خصوص پذیرش اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم یافت که برای نمونه می توان به رأی شماره ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۱۷ شعبه هفتم دیوان عالی کشور اشاره نمود. (الماسی، حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۱۷).

در حقوق انگلستان از سال ۱۷۹۶، حق متعاقدين در خصوص انتخاب صریح قانون حاکم بر قرارداد شناسایی گردیده و این پذیرش را می توان در پرونده *Gienar v. Meyer* مشاهده نمود.

^{۱۰} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Buxter Ian, International conflict of laws International Business, 34 International and Comparative Law quarter, 1985

(Richardson, 1988: 33) لذا در حقوق این کشور در مرحله اول، به انتخاب و اراده صریح طرفین قرارداد، اعتبار اساسی اعطا شده و در مرحله بعدی محکمه می‌تواند در فرض عدم تعیین قانون حاکم، قانون مربوطه را براساس مفاد قرارداد و اوضاع احوال آن مشخص نماید. در حقوق آمریکا نیز اصل حاکمیت اراده پذیرفته شده و این امر در بند اول ماده ۱۸۷ مجموعه مقررات تعارض قوانین منعکس گردیده است (جنیدی، ۱۳۸۸: ۴۰۸) در طرف مقابل، مخالفان معتقدند اعمال نظریه حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد، منجر به دور منطقی می‌شود زیرا قانون، شرایط صحت قرارداد را تعیین کرده و به اراده متعاقبین اعتبار می‌بخشد و چنانچه اراده که خود مخلوق قانون است، تعیین کننده قانون باشد، ضرورتاً دور منطقی حاصل می‌گردد لذا قانون حاکم بر قرارداد را بایستی به طور امری تعیین نمود. (الماسی، ۱۳۷۶: ۲۰۵) دلیل دیگر آنان، موضوع اقتدار قانون است که اگر طرفین بتوانند با توافق یکدیگر از حاکمیت قانونی که بر قرارداد آنها حاکم است بگریزند از قانون سلب اقتدار می‌گردد (سلجوقی، ۱۳۷۷: ۴۲۲) در نتیجه در خصوص بخش دوم ماده ۹۶۸ قانون مدنی معتقدند که این بخش، راه حل رفع تعارض قوانین در روابط بین المللی است نه نتیجه حاکمیت اراده و باید به نحو محدود تفسیر گردد. براساس نظر آنها، انتخاب قانون بیگانه از سوی طرفین در صورتی مؤثر است که هر دو طرف خارجی باشند و انتخاب قانون به منظور حکومت بر آثار عقد باشد نه شرایط صحت آن (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۸۹).

در یک نگاه کلی، قراردادهای شرکت کارگزاری ایرانی که در آن با ورود عنصر خارجی، مباحث حقوق بین الملل خصوصی مطرح می‌گردد به چند دسته کلی تقسیم می‌شود:

۱. شرکت کارگزاری ایرانی با اخذ مجوز از سازمان بورس مبادرت به تأسیس نمایندگی یا شعبه در کشور خارجی دیگر نموده و در بازار سرمایه آن کشور مبادرت به ارائه خدمات به فعالان بازار سرمایه (از قبیل ناشران و سرمایه گذاران) نماید. فعالان بازار سرمایه کشور خارجی می‌توانند سرمایه گذاران و یا ناشران داخلی آن کشور بوده و یا حتی در فرض اتفاق ممکن است ناشران و یا سرمایه گذاران ایرانی باشند که در بازار سرمایه کشور مورد نظر به فعالیت بورسی مشغول گردیده‌اند.^{۱۱}

^{۱۱} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

صالح آبادی، علی، مهران یار، مهدی یار، رفتار توده وار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران شماره ۱۶ سال ۱۳۹۰

۲. ناشر و یا سرمایه گذار خارجی که مجوز فعالیت در بازار سرمایه ایران را دارا می باشد به شرکت کارگزاری ایرانی در ایران مراجعه نموده و درخواست ارائه خدمات کارگزاری داشته باشد.

۳. ناشر و یا سرمایه گذار ایرانی به شرکت کارگزاری ایرانی جهت اخذ خدمات مراجعه و قرارداد مزبور در خارج از ایران منعقد گردد.

۴. ناشر یا سرمایه گذار خارجی به شرکت کارگزاری ایرانی مراجعه نماید و قرارداد مزبور در خارج از کشور منعقد شود.

در هر چهار دسته فوق، شرکت کارگزاری ایرانی که جزء اشخاص تحت نظارت سازمان بورس است با یک عنصر خارجی مواجه است که ورود عنصر خارجی موجب می شود در صورت مراجعه به مراجع قضایی جهت تعیین قانون حاکم، قواعد حل تعارض مربوطه بکار گرفته شود. جهت بررسی موضوع و تعیین قواعد حل تعارض بایستی به مواد ۹۶۸ و ۹۶۹ قانون مدنی توجه نمود. براساس ماده ۹۶۸ قانون مدنی که مقرر می دارد: "تعهدات ناشی از عقود، تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند" باید ارکان این ماده را در ارتباط با فعالیتهای خارجی شرکت کارگزاری تحلیل نمود. دلیل وضع حکم مقرر در صدر ماده، که تعهدات ناشی از عقود را تابع قانون محل وقوع، اعلام می نماید آن است که بنا بر فرض اولیه مقنن، محل وقوع عقد دارای بیشترین ارتباط با قرارداد طرفین بوده و از این رو با حاکم نمودن قانون محل وقوع عقد بر قرارداد، مقنن حداکثر تناسب را با خواست طرفین قرارداد فراهم آورده است.

در فرض اول که شرکت کارگزاری ایرانی با تأسیس نمایندگی و یا شعبه در کشور دیگر مجوز فعالیت در بازار سرمایه کشور مزبور را به دست می آورد، اعمال ماده ۹۶۸ قانون مدنی با مشکلی روبرو نیست زیرا انعقاد قرارداد شرکت کارگزاری ایرانی با فعالان خارجی در کشور مزبور صورت پذیرفته و براساس ماده فوق، قانون کشوری که در آن قرارداد منعقد گردیده و طرفین قرارداد جزء فعالان بازار سرمایه آن به شمار می روند، مجری می باشد. در این فرض شرکت کارگزاری با اخذ پذیرش و مجوز فعالیت در بازار سرمایه کشور دیگر، تحت شمول مقررات بازار سرمایه کشور مقصد قرار گرفته است.

در فرض دوم که ناشر و یا سرمایه گذار خارجی دارای مجوز فعالیت در بازار سرمایه ایران، به شرکت کارگزاری در ایران مراجعه می نماید انعقاد قرارداد بین آنان نیز براساس ماده ۹۶۸ قانون مدنی

منجر به حکومت قوانین ایران بر قرارداد مزبور می باشد. اما در دو فرض ذیل، اعمال ماده ۹۶۸ قانون مدنی دارای تردید می باشد:

فرض نخست؛ اگر شرکت کارگزاری ایرانی که در بازار سرمایه کشور دیگر دارای مجوز فعالیت می باشد با ناشر و یا سرمایه گذار ایرانی که در کشور مزبور فعالیت می نماید جهت ارائه خدمات تخصصی، در ایران قرارداد منعقد نماید. سوال مطرح این است که آیا قوانین و مقررات بازار سرمایه کشور خارجی حاکم است و یا به دلیل آنکه هر دو طرف قرارداد ایرانی می باشند حکم ماده ۹۶۸ قانون مدنی اجرا گردیده و طرفین حق استناد به قوانین و مقررات بازار سرمایه کشور بیگانه را ندارند؟ فرض دومی که منجر به تردید در اجرای قاعده مزبور می باشد، آن است که یکی از طرفین قرارداد، شرکت کارگزاری ایرانی بوده و طرف دوم خارجی باشد و محل فعالیت طرفین قرارداد نیز بازار سرمایه کشور خارجی دیگری باشد لکن قرارداد در ایران منعقد گردد. در این فرض نیز هر چند محل وقوع قرارداد در ایران می باشد لکن قرارداد متعاقبین دارای کمترین ارتباط با محل وقوع آن یعنی ایران می باشد. در این حال، شرط قسمت دوم ماده ۹۶۸ قانون مدنی محقق نیست لذا براساس این ماده به علت آنکه فقط یکی از طرفین قرارداد (ونه هر دو طرف)، خارجی می باشد حاکمیت قانون کشور خارجی مزبور با اشکال روبرو گردیده است.^{۱۲}

از این رو در نگاه اول، نظریه مخالفان اجرای اصل آزادی اراده از قوت بیشتری برخوردار می - باشد. براساس نظر آنان، مقررات ماده ۹۶۸ قانون مدنی بی تردید از مقررات آمره و طرفین قرارداد جز در صورتی که هر دو از اتباع بیگانه باشند نمی توانند قرارداد خود را که در ایران منعقد می کنند تابع قانون کشور دیگری قرار دهند. زیرا قانونگذار، موردی را که قانون حاکم به اراده طرفین تعیین می شود به عنوان یک استثنا بر قاعده کلی قلمداد نموده و منحصر به قراردادی کرده است که طرفین آن بیگانه باشند. بنابراین چنانچه فرض شود که قسمت نخست ماده ۹۶۸ از مقررات تفسیری یا تخییری است، استثنا کردن مورد اخیر ماده نسبت به صدر آن بی معنی و بیهوده خواهد بود و نمی توان پذیرفت که قسمت نخست ماده ۹۶۸ قانون مدنی، تخییری و قسمت دوم آن، امری است. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۴) توجه به این نکته ضروری است که اجرای قانون ایران در فروض مذکور به دلیل آنکه دارای هیچگونه ارتباطی با موضوع قرارداد نمی باشد مطلوب به نظر نمی رسد. برای توجیه و برطرف نمودن آثار ناخوشایند ماده ۹۶۸ قانون مدنی برخی از حقوقدانان، معتقد به تخییری و نه اجباری بودن قاعده مذکور

^{۱۲} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: ایزدی، علی، (۱۳۹۴)، نگاهی تطبیقی به اجرای حقوق بین الملل در محاکم ملی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۳، تهران

در این ماده می باشند. (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۳۳) موافقان اختیاری بودن این ماده معتقدند که حکم ماده ۹۶۸ با اصل حاکمیت اراده ناسازگار است لذا راه حلی بهتر از این نیست که آن را تکمیلی و تخییری تلقی کنیم. یعنی ماده ۹۶۸ در صورتی اجرا می شود که طرفین برخلاف آن توافق نکرده باشند. تفسیر صحیح این است که چنانچه ماده ۹۶۸ فقط به همین مقدار اکتفا کرده بود که تعهدات ناشی از عقود تابع قانون وقوع عقد است، کفایت می کرد تا حکم این ماده را در زمره قواعد تکمیلی محسوب کرده و معتقد باشیم مراد مقنن آن بوده است که هرگاه طرفین توافق دیگری نکنند قانون محل وقوع بر قرارداد حاکم باشد لکن ذیل ماده مقرر می دارد: "مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند". معنای قسمت اخیر این است که قرارداد فقط وقتی که هر دو طرف، تبعه خارج باشند از قانون حاکمیت اراده تبعیت می کند و در غیر این مورد، تابع قانون محل وقوع عقد است. به عبارت دیگر قسمت اخیر ماده، حکم فرضی را که اراده در آن معتبر است را روشن نموده و بر غیر آن مورد، حاکم نمی باشد. نتیجه اینکه صراحت ماده ۹۶۸ مانع از این است که این ماده را تکمیلی تلقی کنیم.

اگر بخواهیم برای توجیه مسأله از قواعد و اصول حقوقی استمداد کنیم باید بگوییم که چون ماده ۹۶۸ با قاعده بنیادین حاکمیت اراده بر قرارداد، ناسازگار است نباید به گونه ای تفسیر شود که اصل و اساس حاکمیت اراده بر قرارداد را به کلی نفی کند. در واقع همانگونه که مقنن نمی تواند اصل وفای به عهد، اصل لزوم رد امانت، اصل لزوم جبران ضرر و نظایر اینها را نفی و انکار نماید؛ به منتفی شدن اصل حاکمیت اراده بر قرارداد نیز نمی تواند حکم کند و بنابراین ماده ۹۶۸ نباید با قواعد بنیادین حقوقی ناسازگار باشد. نتیجه اینکه هر چند ماده ۹۶۸ را نمی توان به دلیل لفظی، تکمیلی دانست ولی به دلیل عقلی و اصولی باید از قید "اتباع خارجه" الغای خصوصیت نمود در نتیجه، قرارداد اصولاً تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند. (شریعت باقری، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

حال باید دید قانون حاکم بر قراردادهایی که جهت استفاده از خدمات بازار سرمایه بین فعالان این بازار (و از جمله شرکتهای کارگزاری) منعقد می گردد و یکی از طرفین قرارداد غیر ایرانی بوده و یا آنکه محل فعالیت و ارائه خدمات موضوع قرارداد غیر از ایران باشد، چگونه تعیین می گردد؟ معاملات در بورس به دو جهت، تابع قانون کشور محل بورس دانسته می شود^{۱۳}. نخست آنکه مقررات راجع به بورس در هر کشور از مقررات انتظامات عمومی است و قوای عمومی در هر کشور در تشکیل

^{۱۳} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

و مراقبت از جریان درست آن، خود را مسئول می‌داند. این احساس مسئولیت نیز ناشی از وظیفه قانونی است که به عهده آنها برای حفظ و مراقبت از اندوخته‌های ملی گذارده شده است. دلیل دیگر آنکه تسلیم ورقه بهادار قابل معامله از سوی دارنده آن جهت انجام معامله و خرید آن از سوی دیگری در بورس، در حکم پذیرش ضمنی حاکمیت قانون محل بورس از سوی طرفین معامله است. (سلجوقی، ۱۳۷۷: ۳۷۷) در مفهوم حقوق داخلی؛ مقصود از نظم عمومی، قواعدی است که طرفین یک رابطه حقوقی نمی‌توانند از آنها تخطی نمایند. از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی، نظم عمومی که نظم عمومی بین‌المللی نیز نامیده می‌شود به قاضی اجازه می‌دهد از اجرای قانون صالح خارجی در صورتی که این قانون با مفاهیم و برداشتهای اجتماعی یا حقوقی که از نظر سیستم حقوقی متبوع قاضی اساسی تلقی می‌شود، در تضاد باشد خودداری نماید و به این جهت آن را "نظم عمومی طرد کننده" نیز گفته‌اند. در حقوق بین‌الملل خصوصی مفهومی به نام قوانین مربوط به نظم عمومی نیز وجود دارد که به طور صحیح تر به نام "قوانین مربوط به انتظامات" و یا "قوانینی که باید فوراً اجرا شوند" شناخته شده است. اینها همان قوانینی هستند که رعایت آنها برای نگهداری نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور لازم است (اشتری، ۱۳۷۶: ۱۶۹)

به رغم شهرت نظریه حاکمیت مطلق اراده، همواره محدودیتهایی برای انتخاب قانون حاکم وجود داشته که متأثر از شرایط اجتماعی و اقتصادی زمان وضع قانون می‌باشد. محدودیتهایی که امروزه کم و بیش در قالب حکومت قهری قوانین ناظر به انتظامات متبلور می‌گردد.

به هر جهت می‌توان گفت اراده اشخاص نقش عمده‌ای را در تعیین قانون حاکم دارد ولی تمامی نقش را دارا نیست (ایرانپور، ۱۳۸۱: ۲۷) و لذا در مواردی که نظم عمومی^{۱۴} حاکم می‌گردد، قانون مذکور لازم‌الاجرا می‌باشد. در مسأله حاضر از آنجا که قواعد بورسی جزء نظم عمومی و آمره است بر سایر مقررات مخالف حاکم می‌گردد حتی اگر در قراردادهای شرکتهای کارگزاری، عناصر خارجی نیز دخیل شوند، مقرراتی که فعالیت مزبور بر طبق آن انجام می‌شوند بر کلیه مقررات کشور محل انعقاد قرارداد یا کشور متبوع متعاقبین حاکم می‌باشد.

طرفداران نظریه حقوق فراملی بازرگانی بر این اعتقادند که قراردادهای تجاری دارای عنصر خارجی، واجد ماهیت بین‌المللی یا غیر ملی یا فراملی می‌باشد و نمی‌توان آن را در چارچوب نظام‌های حقوقی ملی نظام‌مند نمود. با توجه به نارسایی و ناسازگاری نظامهای حقوق ملی با مقتضیات اینگونه قراردادها

^{۱۴} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

وایت تیکر. پیتر، (۱۳۸۵) اصول قراردادها در حقوق فرانسه ترجمه حسن ره بیک انتشارات خرسندی

چاره‌ای جز تنظیم نظامات حاکم بر این قراردادها در یک بستر حقوق فراملی و بالتبع پیدایش و تکامل نظام حقوق فراملی بازرگانی نبوده است. (جنیدی، ۱۳۹۰:۱۲۸) اما توجه به این نکته ضروری است که حیطه گسترش اراده طرفین در قراردادهای بازار سرمایه تنها تا میزانی مجاز است که با مرزهای قواعد آمره این بازار، تداخلی پیدا ننموده و در این مسیر تصریح قانونگذار در خصوص اعلام ارتباط مستقیم الزامات بورسی با نظم عمومی امری گریز ناپذیر می‌باشد.

نتیجه گیری

نوشتار حاضر در دو محور کلی، برخی از ابعاد بنیادین نظام حقوقی حاکم بر فعالیتهای فراملی شرکت‌های کارگزاری را مورد بررسی قرار داده و فعالیت شرکت‌های کارگزاری ایرانی در بازار سرمایه خارج از ایران، و فعالیت خارجیان در تأسیس شرکت‌های کارگزاری ایرانی و یا مشارکت در آن و همچنین فعالیت شرکت‌های کارگزاری خارجی در بازار سرمایه ایران بررسی گردید و فروض مختلف مرتبط با آن به لحاظ حقوقی تبیین گردید. به نظر می‌رسد در راستای بهبود وضعیت موجود در زمینه مقررات-گذاری، علاوه بر استفاده از ظرفیتهای قوانین و مقررات موجود باید از تجارب بین‌المللی نیز به نحو احسن بهره‌مند گردیده و در چارچوب نظام حقوقی داخلی، اصلاحات مدنظر را اعمال نمود. برای نمونه سازمان بین‌المللی آیسکو وضع حداقل ترتیباتی را برای ورود و فعالیت نهادهای مالی به بازار سرمایه ضروری شمرده است که می‌توان در راستای بهینه نمودن این امر و همگام شدن با نیازهای جدید بازار، مرجع مقررات‌گذاری را در طی فواصل معینی موظف به بازبینی مقررات کلیه نهادهای مالی و از جمله کارگزاران نمود. همچنین در راستای برطرف نمودن ریسک‌های سیستمی^{۱۵} فعالیتهای فراملی صنعت کارگزاری باید به توسعه پتانسیلهای بازار از قبیل صندوق تضمین تسویه وجوه و یا کمیته پایش ریسک^{۱۶} پرداخت. در بحث روابط قراردادی کارگزاران که با ورود عنصر خارجی از قبیل (طرفین قرارداد، محل انعقاد عقد و محل اجرای آن)؛ نقش حاکمیت اراده طرفین در تعیین قانون حاکم مورد بحث قرار می‌گیرد، توجه به آمره بودن قواعد بورسی الزامی است. هرچند نشانه‌هایی از آمره بودن قواعد بورسی در ماده ۳۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور وجود دارد لکن این امر وفق بند (ب) این ماده، تنها محدود به معاملات اوراق بهادار ثبت شده گردیده است و آمره بودن

^{۱۵} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به ابراهیم السولیم. سامی، (۱۳۸۶)، پوشش ریسک در مالی اسلامی، ترجمه دکتر محمد مهدی عسکری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

^{۱۶} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به صالح آبادی. علی (۱۳۹۱) گفتارهایی پیرامون بورس (مجموعه سخنرانی‌ها) انتشارات بورس

قواعد بورسی در سایر موارد، براساس عرف نانوشته‌ای است که از قدرت فراوانی برخوردار است. با این وصف، پیشنهاد می‌گردد در اصلاحات قوانین مرتبط با بازار سرمایه به نحوی آمره بودن قواعد بورسی در خصوص تمامی فرایندهای بازار مورد صراحت مقنن قرار گیرد. مسأله دیگری که در خصوص روابط قراردادی خارجی شرکت کارگزاری دارای اهمیت می‌باشد، پیش‌بینی تدابیر و اتخاذ تمهیداتی است که با رعایت آنها کارگزاری را از خطرات احتمالی پولشویی مصون نماید به عبارت دیگر در روابط قراردادی خارجی کارگزاران، باید مسائل مربوط به شناسایی مشتریان و سایر الزامات مبارزه با پولشویی به نحو دقیقتری مدنظر واضع مقررات قرار گیرد. این امر باید به نحوی صورت پذیرد که از جذابیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه ایران کاسته نگردد و در کنار آن مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی مرتبط با فعالیت در بازار سرمایه در راستای جذب سرمایه‌های لازم با منشأ داخلی و خارجی به مراجع قانونگذاری پیشنهاد نمود.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیم السویلیم. سامی، (۱۳۸۶)، پوشش ریسک در مالی اسلامی، ترجمه دکتر محمد مهدی عسکری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۲. ابراهیمی. مریم (۱۳۹۲) مبانی حقوقی بیع سهام در بورس، نشر نوای مدرسه با همکاری مرکز مالی ایران
۳. الماسی. نجادعلی (۱۳۸۴) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ سوم، نشر میزان، تهران
۴. الماسی. نجادعلی، (۱۳۷۶)، تعارض قوانین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۵. الماسی. نجادعلی، حسینی زاده. مهدی (۱۳۸۹) "ضوابط تعیین قانون حاکم بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری" فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۱۶، تهران
۶. ایرانیپور، فرهاد (۱۳۸۱) "نگاهی اجمالی به اصل حاکمیت اراده در حیطه انتخاب قانون حاکم بر تعهدات ناشی از قراردادهای تجاری" مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۵، تهران
۷. ایزدی. علی، (۱۳۹۴)، "نگاهی تطبیقی به اجرای حقوق بین الملل در محاکم ملی" فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۳، تهران
۸. ایودرن، (۱۳۶۷)، "نظم عمومی و حقوق قابل اجرا در ماهیت دعوی در داوری بین المللی"، ترجمه محمد قلی اشتری، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۹، تهران
۹. تقی پور. بهرام، عباسی سرمدی. مهدی، عابدینی. حسین (۱۳۹۷) "حقوق اقلیت در شرکتهای سهامی عام بر مبنای نظام اداره شرکتها (Corporate Governance) مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا" پژوهشنامه حقوق اسلامی دوره ۱۹ شماره ۴۸
۱۰. جنیدی. لعیا، (۱۳۹۰)، "نظریه حقوق فراملی بازرگانی"، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۱، تهران
۱۱. جنیدی، لعیا. (۱۳۸۸) حقوق قابل اعمال بر تعهدات قراردادی با تأکید بر ماده ۹۶۸ قانون مدنی، مقالات اهدا شده به استاد دکتر ناصر کاتوزیان، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
۱۲. راب ریدر، پیتربی هیلر (۱۳۹۲)، مدیریت جریان وجوه نقد، ترجمه سعید مستشار، تهران، انتشارات بورس
۱۳. ژیان. پژمان، (۱۳۹۲)، پایان نامه بررسی تحلیلی ماهیت رژیم حقوقی حاکم بر معاملات سهام در بازار سرمایه، تهران، دانشگاه خوارزمی

۱۴. سلجوقی محمود (۱۳۷۷) حقوق بین الملل خصوصی (تعارض قوانین) جلد دوم تهران نشر دادگستر
۱۵. شریعت باقری. محمد جواد، (۱۳۹۱)، "حاکمیت اراده بر قراردادهای بین المللی خصوصی"، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۵۸، تهران
۱۶. شهیدی. مهدی، (۱۳۷۷) "تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی خصوصی" مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲-۲۱، تهران
۱۷. صالح آبادی. علی، (۱۳۹۱)، گفتارهایی پیرامون بورس (مجموعه سخنرانی‌ها)، تهران، انتشارات بورس
۱۸. صالح آبادی. علی، مهران یار. مهدی یار، (۱۳۹۰)، "رفتار توده وار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران"، شماره ۱۶، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران،
۱۹. طریق‌الله‌خان- حبیب احمد (۱۳۹۰)، مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی، ترجمه محمد مهدی موسوی بیوکی انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران
۲۰. عبدی پور فرد، ابراهیم، (۱۳۹۱)، مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت (اوراق تجاری، بورس و اوراق بهادار، حق کسب یا پیشه یا تجارت)، تهران، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۲۱. کاتوزیان. ناصر (۱۳۶۴) قواعد عمومی قراردادها. جلد اول، چاپ اول، انتشارات بهنشر، تهران
۲۲. نصیری. مرتضی (۱۳۷۰) حقوق چند ملیتی چاپ اول، انتشارات سپهر، تهران
۲۳. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۹) "ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین المللی ایران" مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۱ و ۳۲
۲۴. والی زاده. محمد حسن، لعلی. محمدرضا (۱۳۸۲) "بررسی نقش واسطه گری های مالی در سرمایه گذاری مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی پرتال جامع علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲۵. وایت تیکر. پیتر، (۱۳۸۵) اصول قراردادها در حقوق فرانسه ترجمه حسن ره پیک انتشارات خرسندی
26. Baxter, Ian. F (1987), International Business and Choice of law, 36 International and Comparative Law Quarterly
27. Buxter Ian, (1985) "International conflict of laws" International Business 34 International and Comparative Law quarter
28. Christian. Hans, Amico. Ailsa Koldertsova(2009) The Role of Stock Exchanges in Corporate Governance, Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

29. Richardson. S.M (1988) International contracts and the choice of law , A thesis submitted in fulfilment for the degree of Doctor of philosophy , University of Canterbury
30. Griffin Stephen (2000),” Company Law Fundamental Principles” 3rd edition, Longman
31. Jeffry Golden, (2016), “The International Capital Market review”, sixth edition, law business research
32. Ribero, Robert (2005) Commercial Litigation Damages and other Remedies for Breach of contract Thorogood pub
T Gallagher and Andrew Smith, (2012) “Financial Management and Mastering Finance” 3rd edition, New

The Transnational Dimensions of the Brokerage Company's Activity in the legal system of Iran

Bahram Taghipour^{۱۷}

Ghafour Khoeni^{۱۸}

Leila Sohrabi^{۱۹}

Abstract:

After the formation of Iran's capital market in accordance with the Securities Exchange Act of 1966, the financial institutions of this market were introduced as new financial intermediaries to the financial market. One of these financial institutions is brokerage firms that are expected to perform intermediary transactions in securities transactions. With the passage of the securities market law in December 2005, the capital market, its activists, including financial institutions, accepted wide-ranging changes and a new legal system governing their relations. The legal clarification of the brokerage activity as the gateway to the capital market and its legal requirements in the capital market of Iran is of great importance in both internal and international dimensions. This paper deals with the analytical-descriptive method.

What has so far been considered by researchers in capital market research and research has been the examination of the internal dimension of the activities of brokerage firms and the external dimension of these activities has not been adequately addressed. It should be noted that although the internal activities of the brokers are more extensive, this does not mean that the activities of foreign brokers are impossible or even impossible for foreign brokerage firms to operate in the Iranian capital market. It is also necessary to examine the various assumptions of the dimensions of transnational activities and the contractual relations of the brokers, which have an external element (parties, place of contract, place of execution of the contract), as well as the role of the parties in determining the law governing the contracts of brokerage firms.

Keywords: Capital Market, Broker, Securities Exchange, transactions, Governing Law

JEL Classification: G19, K20, K22, K29

۱۷. Assistant Professor of Private Law, Kharazmi University (Corresponding Author)

taghipour.bahram@yahoo.fr

۱۸. Associate Professor of Private Law, Kharazmi University

۱۹. PhD Student of Jurisprudence and Private Law, Kharazmi University.

sohrabi.leila900@gmail.com